

زیر آسمان فیروزهای

ادامه فیلم‌برداری «لامینور»

● **گروه هنر:** فیلم‌برداری «لامینور»، تازه‌ترین فیلم داریوش مهرجویی، امروز به لوکیشن‌های داخلی می‌رود.

«لامینور» به کارگردانی داریوش مهرجویی با بازی علی نصیریان، سیامک انصاری، علی مصفا، پردیس احمدیه، مهرداد صدیقیان، کاوه آفاق و عزت‌الله رمضانی‌فر با طراحی کریم عبدالله اسکندری و مدیریت فیلم‌برداری بهرام بدخشانی و با نویسندگی مشترک وحیده محمدی‌فر



و داریوش مهرجویی، به تهیه‌کنندگی رضا درمیشیان جلوی دوربین رفته است. «لامینور» طبق اعلام دست‌اندرکارانش بدون هیچ‌گونه حمایت دولتی تولید می‌شود. داریوش مهرجویی از شش سال قبل پشت دوربین فیلم‌سازی قرار نگرفته است.

تغییرات در آستانه ۵۰سالگی!

● **گروه هنر:** وحید گلستان، دبیر چهل‌ونهمین جشنواره فیلم رشد، در روز پیش در نشست با هیئت‌های تخصصی انتخاب جشنواره، با تأکید بر اعتبار این رویداد نیم‌قرنی نزد نهادهای آموزشی و رسانه‌ای دنیا اعلام کرد: «از امسال، روش ثبت‌نام رایگان برای فیلم‌های خارجی متقاضی شرکت در این رویداد تغییر کرده و تصمیم گرفته‌ایم با تعیین مبلغی هرچند کم، از مجموعه جشنواره‌های رایگان سینمایی کشور خداقطفی کنیم. گلستان تأکید کرد: «ثبت‌نام و حضور آثار ایرانی در جشنواره فیلم‌های آموزشی و تربیتی رشد همچنان رایگان باقی می‌ماند».

به گزارش ستاد خبری جشنواره فیلم رشد، سالانه هزاران جشنواره فیلم در گوشه و کنار دنیا برگزار می‌شوند و بسیاری از آنها صرفاً برنامه‌های تبلیغاتی با عامل جذب تورسیست هستند. یکی از تفاوت‌های آشکار چنین رویدادهایی با جشنواره تخصصی و معتبر، میزان سهولت ارائه آثار به آنهاست که به صورت ثبت‌نام رایگان در درگاه‌های اینترنتی‌شان انجام می‌شود؛ شیوه‌ای که به اشتباه در بیشتر جشنواره‌های سینمایی ایران نیز رایج است.

چهل‌ونهمین جشنواره فیلم‌های آموزشی و تربیتی رشد از ۲۴ آبان تا اول آذر در تهران و پس از آن تا اردیبهشت ۱۳۹۹ به صورت هفتگی در تمام استان‌های کشور برگزار خواهد شد.

بررسی کتاب «سان‌ست»

● **گروه هنر:** نشست هفتگی شهر کتاب روز سه‌شنبه دوم مهر، ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «سان‌ست» اختصاص دارد که با حضور مریم مؤیدپور و سعید فیروزآبادی در

مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. به‌تازگی کتاب «سان‌ست» نوشته کلاوس مودیگ با ترجمه مریم مؤیدپور و به همت نشر چشمه منتشر شده است. این کتاب مهم‌ترین رمانی است که مودیگ تا امروز نوشته و بر پایه وقایعی رخ‌داده همراه با تخیلی قدرتمند استوار است. مودیگ تخصص ویژه‌ای در حوزه تاریخ آلمان دارد؛ اما این رمان، او را به چهره‌ای جهانی تبدیل کرد. «سان‌ست» جوایز مهمی ازجمله جایزه کتاب آلمان را از آن خود کرده است. این رمان درباره رابطه لئون فویش‌وانکر، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد یهودی- آلمانی، با برتولت برشت، نمایش‌نامه‌نویس و شاعر آلمانی است. مودیگ اثرش را بر پایه اطلاعات واقعی نوشته؛ اما شخصیت‌هایش را خلق کرده است. این کتاب مخاطب را با خود به جهانی می‌برد که تلاش برای آزادبودن ارزش محسوب می‌شود.

سری جدید برنامه «رادیکال سه»

● **گروه هنر:** سری جدید برنامه «رادیکال سه» با آغاز سال تحصیلی و با محوریت بررسی ابعاد زندگی و فعالیت‌های شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران روی آنتن شبکه سه می‌رود. برنامه «رادیکال سه» در این سری خود عملکرد و تأثیرگذاری شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران را بر آرمان‌های استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت مرکز بررسی قرار می‌دهد. این برنامه به کارگردانی «علی زندیه» و تهیه‌کنندگی «میکائیل دبانی» هر هفته روی آنتن شبکه سه خواهد رفت.

فیلم «یه‌وا»ی «آباد» با تاریکی شروع می‌شود. باران می‌بارد. شب‌هنگام زنی با چتری در دست سریع وارد ساختمان می‌شود. در آنجا او دختر جوانش را می‌بیند که در تنهایی انتظار او را می‌کشد. درواقع ما وضعیت آنها را تا چند صحنه بعد درک نمی‌کنیم، او در حال فرار است؛ اما با وجود هیچ نوع تعقیبی، فیلم به‌تدریج به داستان تلاش یک زن برای فرار از یک زندگی خشونت‌آمیز خانگی تبدیل می‌شود؛ روایتی مبتنی بر داستان‌های متعدد واقعی.

«نارین گریگوریان» نقش اصلی فیلم را بازی می‌کند؛ زنی که در دام شرایط و انتخاب‌های شخصی افتاده. «یه‌وا» متهم به قتل همسرش است و مجبور شده همراه دخترش «ناره» فرار کند و به یک روستای کوچک دورافتاده پناه ببرد. روستا، «دادیوانک» در منطقه آرتساخ (ناگورنو قره‌باغ) جایی است که روین، دوست و جانباز جنگی و همسرش، سونا، بدون قیدوشرط پذیرای او شدند. زندگی خصوصی «یه‌وا» پنهان است. ما فقط به آنچه اتفاق افتاده است، اشاره می‌کنیم و هنگام روایت داستان اسرار آن فاش می‌شود. فیلم ما را در حالت متناقض بین خوش‌بینی و جبرگرایی قرار می‌دهد و هشداردهنده ما را با دخترش تنها می‌گذارد.

شاید فیلم یک ملودرام خانگی پر تنش و اشک‌آلود با رفتارهای خودخواهانه پر خرد والدین به نظر برسد؛ اما تماشاگران باید انتظار تأمل بیشتری بکشند. این فیلم به نظر می‌رسد مانند چیزی است که طبق قرارداد‌های تلویزیونی شکل گرفته؛ اما نگرانی‌هایی را که با نوع خاصی از تجربیات زانته مرتبط است، نشان می‌دهد. این فقط یک فیلم درباره یک زن ارمنی نیست. این فیلم درباره تنش‌های درونی است؛ داستان زنان ارمنستان.

«یه‌وا» نام ارمنی چهره کتاب مقدس، «حواء» است؛ اما همان‌طور که قبلا ذکر شد، این فیلم فقط مربوط به او نیست؛ بلکه درباره نسلی از زنانی است که در یک جامعه مردسالار ارمنی زندگی می‌کنند. درحالی‌که یک خانواده ارمنی سنتی به‌سادگی در برابر قدرت سرشونت واکنش نشان می‌دهند، در اینجا ما زنانی داریم که تلاش می‌کنند که آن را تغییر دهند. زنان در این فیلم آزادی از تفکرات و رسانه‌ای برای تحولات فرهنگی و اجتماعی هستند. زنان «یه‌وا» بازمانده هستند. خشونت خانگی در ارمنستان اغلب به‌عنوان یک «موضوع خانوادگی» تقلیل پیدا می‌کنند... این «موضوعات» از مرزهای خانه رد نمی‌شوند و به‌ندرت به پلیس گزارش می‌شوند. مردان نیز از حق مالکیت برخوردار هستند و معمولاً صاحبان اصلی خانه هستند. علاوه‌براین مسئله حمایت با مجرمیت از حقوق والدین در ارمنستان و چگونگی اجرای آن از طرف قانون صورت می‌گیرد؛ حتی اگر هیچ‌کدام از این موضوعات به‌صراحت

بیام بهاری؛ وقتی راجع به تماشاگران سینما صحبتی به میان می‌آید، می‌توانیم این طیف گسترده را به دو دسته تقسیم کنیم:

- تقسیم‌بندی بر اساس گروه‌های سنی.
- تقسیم‌بندی بر اساس سلیقه.

انیمیشن راتاتوی (موش سرآشپز) می‌تواند مثال خوبی برای تقسیم‌بندی دوم (بر اساس سلیقه) باشد. همان‌قدر که یک کودک از تماشای این اثر لذت می‌برد، یک میان‌سال هم می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. در بخش مربوط به سلیقه، فیلم‌ها با گونه‌های داستانی، مستند، انیمیشن و ترکیبی قرار می‌گیرند. آیا سینمای ایران در این سال‌ها توانسته است برای طیف‌های گسترده سنی و سلیقه‌ای فیلم تولید کند؟ اگر در انجام این کار موفق نیست، خب چرا؟ در سینمای ایران، فیلم‌سازان از زمان به‌کارگیری ابزارت در سال‌ها به گونه‌های مختلف فیلم‌سازی سرک کشیده‌اند، چرا این روند تداوم نداشته است؟ آیا تماشاگران نقش حمایتی را در این چرخه به درستی ایفا کرده‌اند؟ برای تحلیل این موضوع، فیلم‌ها با گونه‌های متفاوت را به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم و تلاش می‌کنیم با یادآوری نمونه‌های خارجی تأثیرگذار در جهان، نقش مهم آنها در ارتباط با تماشاگران را بررسی کنیم.

سینمای کودک و کودک درون بزرگسال

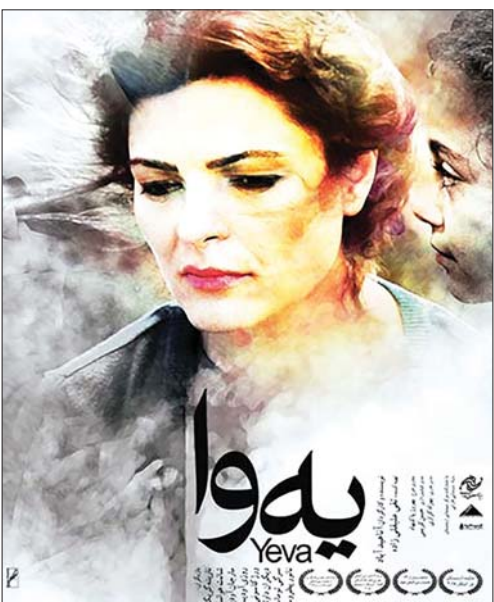
همان‌طور که اشاره شد، به طور یقین نمی‌توانیم سینمای کودک را فقط به سن محدود کنیم. کمابینکه بزرگسالان هم با این آثار ارتباط برقرار می‌کنند. این سبک از فیلم در جهان، طرفداران بی‌شماری دارد. فیلم‌هایی

مانند «جادوگر شهر از»، «دیو ودلیو»، «شیرشاه»، «شرک»، مجموعه فیلم‌های «داستان اسباب‌بازی»، «ماشین‌ها» و... هر زمانی که در سینماها اکران شدند گیشه‌ها را فتح کردند. درست است که مسئولان حق پخش این آثار را خریداری نمی‌کنند و طرفداران این سبک از دینن آنها در سینما محروم هستند، ولی هرفت فیلم‌ها در دسترس آنها قرار گرفت (به صورت وی‌اچ‌اس، س‌دی و فایل) مردم ما اقبال زیادی برای تماشای آنها نشان داده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد مردم ما تمایل فراوانی به این سبک از فیلم‌ها دارند. سینمای ایران، با چند فیلم انگشت‌شمار به سرعت این گونه پرترفدار رفته است. فیلم‌های «شهر موش‌ها» (محمدرضا طایی- ۱۳۶۶)، «گلزار» (کامبوزیا پرتوی- ۱۳۶۷)، «دزد غورسک‌ها» (محمدرضا هنرمند- ۱۳۶۸)، «پاتال و آرزوهای کوچک» (مسعود کرامتی- ۱۳۶۸)، «کلافه‌قرمز و پسرخاله» (ایرج طهماسب- ۱۳۷۳)، «آهوی پیشونی‌سفید» (جواد شامی- ۱۳۹۱) و... نمونه‌هایی از این آثار هستند. جالب است، فیلم‌های «کلاه‌قرمزی و پسرخاله» و «شهر موش‌ها» جزء پرفروش‌های تاریخ سینما بوده‌اند که به غیر از کودکان، حتی بزرگسالان را هم با خودشان همراه کرده‌اند. البته تولید این دسته از فیلم‌ها به‌قدری محدود است که کفاف طرفدارانش را به‌هیچ‌وجه نمی‌دهد. در چند نگاه به زوایای مختلف عدم ساخت این فیلم‌ها می‌پردازیم. کمپانی‌ها و تهیه‌کنندگان نام‌آشنایی در جهان وجود دارند که به صورت تخصصی در حوزه تولیدات مربوط به کودکان فعالیت می‌کنند؛ مجموعه‌های بزرگی که مواردی مانند نقش کودکان در آینده جامعه، نیازها و آرزوهایشان را، با تحقیق و بررسی کامل به مرحله تولید می‌رسانند. آنها به مقوله سینمای کودک به‌طور ویژه‌ای نگاه می‌اندازند.

در سینمای ما مجموعه‌ها و تهیه‌کنندگانی که با نگاه



زایع آریوشاتیان* ترجمه فرانک آرتا



در فیلم ارجاع نشده؛ اما آنها ستون فقرات درام را تشکیل می‌دهند و به اعتبار آناهید آباد است که این فیلم امید شروع یک روند در سینمای ارمنستان ایجاد کرد. به‌این‌ترتیب مطبوعات و مسائل اجتماعی به شیوه‌ای انکارناپذیر و غیردیده‌ی مورد بحث قرار می‌گیرند؛ زیرا در سرای‌های خشن سیل کانال‌های تلویزیونی قرار دارند. آباد با تمرکز بر موضوع زنان، فیلمی متناقض خلق کرده؛ یک حرکت خیرخواهانه که با تقصیر و تجلیل از قدرت زن ظنین‌انداز شده است. به استثنای مأمور پلیس مسئول اجرای قانون، مردان در مرکز این فیلم قرار نمی‌گیرند. آنها حضور دارند اما فیلم حول آنها نمی‌چرخد. به‌دلیل همدلی با «یه‌وا» ، همه می‌کوشند تا کمک کنند؛ اما در نهایت شکست می‌خورند.

«یه‌وا» با همکاری بنیاد سینمایی فارابی ایران و مرکز ملی سینمای ارمنستان تهیه شده و اولین تولید مشترک ارمنستان و ایران است. «یه‌وا» اولین فیلم ارمنی با گروه تولید ایرانی و اولین فیلم داستانی به کارگردانی یک زن

اینجا چراغی روشن نیست!



در این طیف از فیلم‌ها این است که فیلم‌ساز احتیاج دارد صحنه‌هایی با هیجان فراوان در فضاهای شهری (بانک، اتوبان، خیابان و میدان‌های پررفت‌وآمد) بسازد تا اتفاق‌های قصه را طبیعی و باورپذیر به وجود آورند. به نظر شما گروه‌های فیلم‌سازی در ایران می‌توانند ساعت‌ها شلوارهای ارتباطی مردم را تعطیل کنند؟ و در فضای کنترل‌نشده شهری فیلم‌برداری کنند؟ برای به‌وجودآوردن این صحنه‌ها نیازمند شهرک‌های سینمایی هستیم. در این‌همه سال فقط یک شهرک سینمایی غزالی به همت مرحوم علی جاتمی برای فیلم‌هایی که دوران قبل از انقلاب را یادآوری می‌کرد، ساخته شده است. آیا می‌توان زندگی مدرن امروزی را در آنجا به نمایش دریاوریم؟ برای نمایش دادن زندگی امروزی با تمام متعلقات شهری، ما نیازمند شهرک‌های سینمایی متعددی هستیم تا فیلم‌ساز بتواند صحنه‌های هیجان‌انگیز خود (زردخورد‌ها و فرارها) را به‌راحتی و بدون دغدغه در فضایی کنترل‌شده خلق کند.

سینمای وحشت

«جن‌گیر» (ویلیام فریدکین- ۱۹۷۳) نمونه خوبی برای این سبک از فیلم‌ها می‌تواند باشد؛ فیلمی که نه‌تنها نسل‌های پیشین را با خلق صحنه‌های همراه با رعب و وحشت در تعلیق فرو برد، بلکه نسل‌های بعدی هم با دیدن آن همچنان به وجد می‌آیند. سبکی از